

نگاه امروز

سناریویی برای صنعت بحران‌زده



حمید باقریان*

طرح تحول اقتصادی، یکی از طرح‌های مهم اصلاح ساختار اقتصادی است که شامل هفت رأس کلی است: ۱- نظام بهره‌وری، ۲- نظام پارانها، ۳- نظام مالیاتی، ۴- نظام کمربکی، ۵- نظام بانکی، ۶- نظام ارزش‌گذاری پول ملی و ۷- نظام توزیع کالا و خدمات.از بین این هفت نظام، به منظور اصلاح نظام پارانها‌ها، قانون هدفمندسازی پارانها در قالب ۱۶ ماده و ۱۶ تبصره در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۸۸ به تصویب مجلس و در ۲۳ دی ۱۳۸۸ به تأیید شورای نگهبان رسید. بدیهی است که اجرای این طرح که اساسی‌ترین بخش آن مربوط به اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و پرداخت نقدی پارانها می‌شود، مانند هر طرح دیگری، آثار و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم گوناگونی بر اقتصاد و بخش‌های گوناگون آن خواهد داشت. واضح است که بررسی آثار و پیامدهای اجرای این طرح، به‌ویژه در بخش‌های مختلف و اساسی، ازجمله صنایع، دولت و خانوار و نیز بر متغیرهای کلیدی اقتصاد، می‌تواند با روشن‌کردن زوایای طرح و فراهم‌کردن دیدگاه‌های مفید، راهگشای تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران شود. با توجه به اینکه با وجود موفقیت اقتصادی ایران در سال‌های اخیر، کماکان چالش‌های بسیاری اقتصاد این کشور را تهدید می‌کند و این چالش‌ها بر اساس راهکار دوسویه متغیرهای اقتصادی و صنایع، چالش‌های صنعت را موجب شده و به‌عنوان چالش‌های صنعت در سطح اقتصاد کلان تعریف می‌شوند، با توجه به وضعیت صنایع، نرخ بی‌کاری در صد بالایی دارد و با توجه به جوان‌بودن جمعیت ایران، پیش‌بینی می‌شود در سال‌های آتی فشاری فزاینده بر بازار کار وارد شود. دولت برای کاهش مشکل بی‌کاری، اقدام به اتخاذ سیاست‌های انبساطی کرد و این سیاست‌ها اگر چه توانایی تعدیل مشکل بی‌کاری را داشت؛ اما آثار تورمی این سیاست‌ها را هم باید در نظر داشت. با توجه به اینکه بخش صنعت در جدال‌داد- ستانده از مهم‌ترین بخش‌ها تلقی می‌شود، دولت‌مردان ایران به‌ویژه در زمینه صنعت، همواره سیاست‌ها و رویکردهای حمایتی از تولیدات داخلی و سکسترش آن با استفاده از استراتژی‌های اقتصادی را نقشه راه اجرایی خود دانسته تا درآمد دولت دیگر وابسته به صنعت نفت نباشد و شاخص‌های اصلی اقتصاد کشور با مؤلفه‌های صنایع بهبود پیدا کنند؛ اما در واقعیت اجرا و عملکرد سیاست‌ها به شکل دیگری رقم می‌خورند. تناسب‌داشتن صنایع بالادستی و پایین‌دستی، بایدمحوربودن تأمین مالی صنایع، نبود صادرات‌گرایی تخصصی و ارتباط نامناسب صنعت و دانشگاه و... از چالش‌های اصلی صنعت در این دوره اقتصادی هستند که بانک‌محوربودن تأمین مالی صنایع، مهم‌ترین چالش صنایع قلمداد می‌شود. پارانها‌های نقدی یکی از مهم‌ترین مباحثی است که می‌تواند راهکار مناسبی برای رفع بخشی از چالش‌های صنعت ازجمله بانک‌محوربودن تأمین مالی باشد. با توجه به تئوری‌ها و مباحث علم اقتصاد، پارانها‌های نقدی به صورت مستقیم در بخش تقاضا تریق می‌شود که این افزایش چشمگیر، فاصله بین قیمت‌های پارانهای و قیمت‌های واقعی و در نتیجه فشار بیشتر بر منابع عمومی بودجه دولت، رشد جمعیت و افزایش تقاضا برای خدمات عمومی و زیربنایی در کنار محدودیت منابع، حجم بالای پارانها و تأمین‌نشدن آنها در آینده (حدود ۳۰ درصد GDP)، هدفمندنبودن پارانها و برخورداری بیشتر گروه‌های پردرآمد از پارانها، به‌هم‌خوردن الگوی مصرف خانوارها و اثرات مضر زیست‌محیطی مصرف زیاد حامل‌های انرژی، ظهور فناوری‌های هدردهنده منابع کمیاب و غیرقابریاتی شدن محصولات تولیدی در بازارهای جهانی، افزایش بی‌رویه مصرف به‌ویژه مصرف حامل‌های انرژی و پایین‌بودن بهره‌وری انرژی، فراهم‌شدن زمینه‌های فساد اقتصادی به‌ویژه قاچاق کالاهای بارانه و تخصیص غیربهینه منابع و شکل‌گیری فعالیت‌های فاقد مزیت اقتصادی را موجب می‌شود.با توجه به مباحث و مشکلات اشاره‌شده و چالش‌های ارائه‌شده در صنعت، بخش عرضه و تولید اقتصاد ایران همیشه دارای مشکلات ساختاری و فعلی است که بین بخش‌های اصلی اقتصادی، بخش صنعت راه نجات اقتصاد ایران از سیاه‌چاله است. رابطه بین مشکل تأمین مالی صنایع و هدفمندی پارانها، یک رابطه دوسویه تعریف می‌شود که جای فکر و تصمیم‌گیری را برای دستگاه‌های اجرایی مرتبط باز می‌کند. سازمان هدفمندی پارانها، وزارت اقتصاد و دارایی، و وزارت صنعت و معدن و تجارت و سازمان خصوصی‌سازی کشور، با توجه به چشم‌انداز اقتصاد ایران و اهدافی که دنبال می‌کنند، با تعامل می‌توانند بین پارانها‌های نقدی و بخش عرضه رابطه معنادار مثبتی ایجاد کنند. سازمان هدفمندی پارانها‌ها با همکاری سازمان خصوصی‌سازی کشور می‌تواند با شناسایی صنایع کوچک و متوسط که نیازمند سیاست‌های حمایتی دولت در بخش تأمین مالی خود هستند، تحقیقات و پروژه‌هایی را در زمینه تخصیص بهینه میزان پارانهای نقدی از طریق تخصیص بخشی از میزان بودجه پارانها به سمت عرضه اقتصاد و صنایع نیازمند حمایت انجام دهد و با برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای اجرایی درست، با توجه به میزان حمایت خود در سکسترش تولیدات واحدهای تولیدی نظارت داشته باشد.

ادامه در صفحه ۱۹

علی سرزعیمنوعای توسعه نیافتگی از اقتصاد تا اقتصاد سیاسی را بررسی کرد

توسعه در پس حکمرانی مدرن

تزریق مکرر منابع به صنایع با بازدهی کم در تضاد با منافع ملی است



مطرح می‌شود این است که اصلا چرا در کشور ما مدیران ناکارآمدی وجود دارد؟ پاسخ روشنفکران ما به پرسش مزبور این است که ساختار سیاسی ما ترجیح می‌دهد افراد توانمندتر وارد عرصه مدیریت کشور نشوند و علت آن را ترس حاکمیت از داعیه‌های سیاسی آنها به جای وفاداری مدبران متعدد عنوان می‌کنند. بنابراین تبیین مذکور مسئله اصلی را ساختار سیاسی کشور می‌داند و می‌گوید تا زمانی که ساختار سیاسی کشور به خاطر ملاحظات سیاسی فروتر را بر فراتر ترجیح می‌دهد، دولت ناتوان باقی خواهد ماند و راه‌حل را در زمین سیاست می‌جویند. شاید بهترین صورت‌بندی که از این دیدگاه ارائه شد، در مقاله سعید حجازیان در فصلنامه اطلاعات اقتصاد سیاسی منتشر شد.

از طرفی دیدگاهی وجود دارد که عمداً از سوی توده مردم مطرح می‌شود و پاسخش مسئله توسعه‌نیافتگی را به مدیران فاسد مرتبط می‌دانند. اینها معتقدند تا زمانی که یک طبقه از مدیران پاکدست را حاکم نکنیم، نمی‌توانیم به پیشرفتی برسیم.

برخی نیز هستند که معتقدند در کشورهایی مانند ایران اصلا ذهنیت و تعریف درستی از دولت‌مداری وجود ندارد. این دیدگاهی که گوید حکومت‌مداری صرفا انتقال قدرت و دموکراسی نیست و بخشی از آن به این مربوط می‌شود که با آن قدرت چه عملی باید انجام داد. به‌عنوان نمونه چگونه یک نظام پایش ایجاد شود که در آن بانک‌ها عملکرد درستی داشته باشند. یا اینکه چه نوع نظام آموزشی‌ای سامان دهیم که در آن با تشکیل دانشگاه آزاد به

مدرک‌فروشی ختم نشود. این مسائل به حکومت‌داری و اداره دولت مربوط می‌شود و ارتباطی با شکل حکومت‌ها ندارد. بنابراین تا اینجا سه تبیین از مسئله عنوان شد: تبیینی که من سعی می‌کنم از زاویه‌ای دیگر به این مسئله بپردازم. ما در اقتصاد کالاهای را که خرید می‌کنیم و به مصرف می‌رسانیم، به دو دسته تقسیم می‌کنیم: کالاهای خصوصی و عمومی. مثلا کیف، کت، موبایل و امثالهم که در یک رقابت به مالکیت خریدار رسیده است کالاهای خصوصی هستند به این معنی که وقتی خریداری می‌شوند به طور قانونی تحت تصرف مالک جدید قرار می‌گیرد و کسی حق بهره‌برداری از آنها ندارد. اما کالاهای عمومی به‌گونه‌ای است که تملک آن مانع دیگری نمی‌شود. مثل امنیت، سیستم بهداشت عمومی و هوای پاک که استفاده از آنها فقط در تملک یک شخص قرار ندارد و برای آنها رقابتی وجود ندارد. در زمینه مصرف کالاهای خصوصی در ایران و کشورهای اروپایی، به طور متوسط کشور ما در وضعیت قابل قبولی قرار دارد و تقریبا در خانه هر ایرانی طبقه متوسط کالاهایی وجود دارد که در خانه‌های مردم کشورهای پیشرفته مصرف می‌شود. بنابراین حسرت در رابطه با کالاهای خصوصی شکل نگرفته، بلکه مواردی است که مربوط به کالاهای عمومی می‌شود. مثلا همیشه گفته می‌شود که اروپایی‌ها اکسیرن سالم تنفس می‌کنند و از هوای پاکشان لذت می‌برند. یا اینکه از حمل‌ونقل عمومی، سیستم بیمه درمانی، آموزش و وام‌های سهول‌الوصول برای مسکن و اساتر آپ‌ها صحبت می‌شود. در حالی که همه اینها در کشور ما و بسیاری از مدارس زیر استانداردهای متعارف هستند و از طرفی دیگر وام‌هایی که به‌سختی در اختیار همکان قرار می‌گیرند همچنین در رابطه با صندوق‌های بازنشستگی که در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار دارد. اینها همه ابعاد ضعف کالاهای عمومی را نشان می‌دهد؛ کالاهایی که تأمین آنها بر عهده دولت قرار دارد و به همین لحاظ نشان‌دهنده ناتوانی و قصور در انجام این مسئولیت از سوی این نهاد است. بنابراین به نظر من برای بررسی مسئله توسعه‌نیافتگی ابتدا باید به آسیب‌شناسی پدیده دولت بپردازیم. چرا حاکمیت‌ها در کشور ما نتوانسته‌اند وظیفه اصلی خود یعنی عرضه کالاهای عمومی باکیفیت را درست انجام دهند؟ قبل از پرداختن به این مسئله ابتدا می‌خواهم مروری داشته باشم بر برخی از پاسخ‌هایی که عموما به این پرسش داده می‌شود.

همین‌طور طبقه ضعیف فاقد خودروی شخصی سوسپید داد نه انرژی‌های آلوده‌زا و طبقه‌ای که دارای خودروست. اینها جز بدبختیات دولت‌مداری است و با اینکه از سال ۶۸ به طور مداوم در برنامه‌ها تکرار شده اما همیشه در مجلس رد شده است. این موضوع بسیار عجیب است که برای شهری مانند

تهران ساخت مترو تا این حد دیر انجام شده است. اینکه این اتفاق نیفتاده است موضوعی است که باید در چارچوب اقتصاد سیاسی مورد بررسی قرار گیرد، یعنی این موضوع که باید به حمل‌ونقل عمومی سوسپید می‌دادیم، بخش سیاسی داستان است ولی به شرحی که گفته شد، مسئله ما ظاهرا فقط دانستن نیست؛ همان‌گونه که به فرد (همان‌طور که تبیین دوم می‌گوید) هم ارتباطی ندارد، بلکه مسئله این است که معادلات سیاسی به گونه‌ای تعریف شده است که وقتی فردی جدید هم وارد این معادلات می‌شود، همان رفتار گذشته را تکرار می‌کند. بنابراین تا زمانی که در نظام سیاسی ما این معادلات وجود دارد، با تغییر حکمرانی تفاوتی ایجاد نخواهد شد. از این جهت مایلم نگاه‌ها را به عرصه اقتصاد سیاسی متوجه و تأکید کنم اگر می‌خواهیم مسئله حکمرانی حل شود، باید اولا حکمرانی مدرن را یاد بگیریم، ثانیاً باید قیود سیاسی عوض شود.

در اینجا می‌خواهم قدری به این قیود سیاسی بپردازم. در روان‌شناسی آزمایشی وجود دارد که نشان می‌دهد افرادی که در کودکی توانسته‌اند بر نفس خود غلبه کنند در بزرگسالی زندگی موفق‌تری دارند؛ به این معنی که خوش‌شان داری یکی از عوامل فردی موفقیت در افراد بوده است. روان‌شناس‌ها معتقدند همه افراد می‌توانند موفق شوند و همه انگیزه‌های لازم برای آن را دارند اما اراده غلبه بر سوسه‌ها را ندارند. این موضوع در اقتصاد هم وجود دارد: در گذشته اعتقادی وجود داشت مبنی بر اینکه مهم‌ترین عناصر پیشرفت، منابع طبیعی است اما کم‌کم علم اقتصاد توسعه به موضوعی مخالف با این اعتقاد رسید به این صورت که هر کشوری (چه آنهایی که منابع طبیعی دارند و چه آنهایی که ندارند) می‌توانند پیشرفت کنند به این شرط که

نهادهای مؤثری داشته باشند

دیدگاه استالین البته نه به این نیت که آنها را کاملاً عاری از حقیقت بداند ولی معتقدم همه واقعیت را توضیح نمی‌دهد. بنابراین بیش از هر چیزی در این سخنرانی قصد دارم بر آن بخش‌هایی از واقعیت انگشت بگذارم که کمتر دیده شده است. در خصوص دیدگاه اول ابتدا باید گفت انکارکردنی است که در کشور ما مسئله‌کلانی می‌شود و دلیل آن هم این است که شایسته‌سالاری برای گروهی خطرآفرین است اما بهتر است این نگرانی رفع شود. بهتر است به جای تشدید فضای تهدیدزا به دنبال یک نوع بدبستان از این دست باشیم؛ به این شکل که به آنها ابزارهای اعتمادبخش و تعهدزا را بدهیم و خیال آنها را در این زمینه راحت کنیم و بعد به جای آن اجازه حضور افراد توانمند را بگیریم و به این طریق یک معامله برد-برد را برای همه کشور رقم بزنیم.

اراده معطوف به عمل

در رابطه با تبیین سوم که من هم تا حدود زیادی با آن موافقم، باید گفت فقط مسئله حکومت‌مداری نیست و قضیه تا حد زیادی پیچیده‌تر از آن است.

برای توضیح یک مثال می‌زنم: آیا کسی وجود دارد که نداند ورزش برای سلامتی مفید است؟ بااین‌حال افراد بسیار محدودی به طور منظم ورزش می‌کنند. بنابراین برخی زمان‌ها مسئله ندانستن نیست بلکه اراده معطوب به عمل است. تمام استادان سازمان برنامه از دهه ۶۰ نشان می‌دهد که برنامه زیادی در رابطه با افزایش قیمت بنزین و انتقال سوسپید آن به حمل‌ونقل وجود داشته است. این موضوع بسیار بدیهی است که مردم را باید به سمت استفاده از حمل‌ونقل عمومی هدایت کرد تا اینکه با پارانها بنزین آنها را به استفاده بیشتر از خودروهای شخصی تشویق کنیم. همچنین کسی تردید ندارد که باید به انرژی‌های پاک (مانند

دوچرخه) همین‌طور طبقه ضعیف فاقد خودروی شخصی سوسپید داد نه انرژی‌های آلوده‌زا و طبقه‌ای که دارای خودروست. اینها جز بدبختیات دولت‌مداری است و با اینکه از سال ۶۸ به طور مداوم در برنامه‌ها تکرار شده اما همیشه در مجلس رد شده است. این موضوع بسیار عجیب است که برای شهری مانند

اقتصاد

علی سرزعیمنوعای توسعه نیافتگی از اقتصاد تا اقتصاد سیاسی را بررسی کرد

اقتصاد

یادداشت

«حمایت از تولیدات داخلی» و پیچیدگی‌های آن

حسین حقگو . کارشناس اقتصادی

● ازجمله اصلاحات موردنیاز در اقتصاد کشورمان بی‌شک اصلاح سیاست‌های تجاری و از جمله آنها اصلاح «سیاست‌های تعرفه‌ای» است، چنانکه اعمال سیاست‌ها و نرخ‌های مناسب تعرفه‌ای در واردات کالاها ضمن افزایش رقابت‌پذیری می‌تواند به افزایش رفاه جامعه و برخورداری مصرف‌کنندگان از کالاهای باکیفیت‌تر و ارزان‌تر بینجامد. در این‌میان اما یک موضوع به‌عنوان مؤلفه اصلی در تعیین سیاست‌های تعرفه‌ای بسیار نقش‌آفرین است و آن گزاره «حمایت از تولید داخلی» است. در واقع مسئولان دولتی و برنامه‌ریزان اقتصادی در تعیین نرخ تعرفه همواره موضوع حمایت از تولید داخلی را به‌عنوان گزاره اصلی دراین‌باره ذکر می‌کنند. مشکل اما به غیر از اوقات درون‌گرایی اقتصادی و کاهش روابط تجاری و کوچک‌شدن حجم اقتصاد و... که مرتب بر قرآنت‌هایی از این «سیاست‌های حمایتی» است، در تشخیص مصداق این حمایت‌ها از تولیدات داخلی است. چراکه گاه در یک زنجیره تولید، همه حلقه‌ها محصولات داخلی‌اند و تعیین مصداق «حمایت از تولید داخلی» بسیار دشوار می‌شود. چنانکه اخیرا وزیر صنعت در حاشیه مجمع عادی سالانه سازمان حمایت از حمایت تعرفه‌ای کامل از فعالیت تولیدی داخلی سخن گفت و اینکه «در صورتی که کالایی در کشور به حد کفایت تولید شود، باید حمایت تعرفه‌ای کامل رزمان‌دار و هدف‌دار و آن صورت گیرد». مشکل اما دقیقا در همین تشخیص‌هاست. یک مثال مشخص، اختلافات فولادسازان و پروفیل‌سازان است. اختلافاتی که هرروز وارداتی هستند، چراکه پروفیل‌سازان معتقدند فولادسازان برخلاف وعده‌های خود مبنی بر تأمین نیاز آنها به ورق‌های کمتر از پنج میلی‌متر عمل نکرده و خواستار واردات این ورق‌ها با تعرفه پایین شده‌اند. در مقابل فولادسازان این ادعاها را صحیح نمی‌دانند و معتقدند توانسته‌اند و می‌توانند این نیاز را در داخل برطرف کنند. در همین چارچوب بخشی از نظام تصمیم‌گیری از خواست پروفیل‌سازان مبنی بر تعرفه صفر حمایت‌کرده و بخشی دیگر کاهش تعرفه از ۲۰ به ۱۰ درصد را کافی می‌داند. در این رویرویی یک طرف ماجرا یکی، دو واحد بزرگ فولادسازی قرار دارند که دولت در اداره آنها نقش دارد و در سمت دیگر کشیر از واحدهای بخش خصوصی به‌صف شده‌اند. دو طرف تولیدکنندگان داخلی‌اند و ایجادکننده اشتغال، ارزش‌افزوده و... به نظر حل مسئله را باید در خروج دولت از بنگاهداری و تصدی‌گری جست تا به‌عنوان داور بی‌طرف و در شفافیت ایجادشده بر اثر تعیین نرخ‌های تعرفه‌ای منطقی «حمایت از تولید داخلی» شود، و مفهوم واقعی خود را بیابد.

خبر

موازنه به بازار مسکن برگشت

● عبور ۱،۶درصدی رشد قیمت مسکن شهر تهران از تورم نقطه به نقطه در شهرپور، نشان می‌دهد اثر عوامل تورمزها که منجر به رکود تاریخی این بازار شد، رسوب کرده است. به گزارش ایستنا، در آخرین ماه تابستان، قیمت مسکن بازار تهران در پی بازیگری در حالت تعادل با نرخ تورم نقطه به نقطه، شرایط خود را برای خروج از رکود کلید زد. نرخ رشد قیمت مسکن از حدود یک سال پیش، حاصله خود را با تورم نقطه به نقطه نزدیک می‌کرد و در شهرپور با قرارگرفتن ۱،۶درصد بالاتر از تورم، شاخص کل را نسبت به ماه مشابه سال گذشته قطع کرد. بازار مسکن که به نظر می‌رسد مسیر خروج از رکود را از ابتدای سال جاری در فضای آرام اقتصادی آغاز کرده بود، با بروز عامل ملتهب‌کننده «فشار بازار اجاره»، از ابتدای تیرماه خود را برای دوره رونق آماده کرد. در شهریور ۱۳۹۶ متوسط قیمت مسکن شهر تهران ۴،۷۶ میلیون تومان بود که نسبت به ماه مشابه سال قبل، ۰،۷درصد افزایش نشان می‌دهد. با اینکه تعداد معاملات در شهریور افت ۱۶درصدی را نسبت به مرداد سال جاری تجربه کرد، در شهریور ۱۵هزار و ۵۰۰ واحد مسکونی معامله شد که این شاخص نیز با ۰،۱درصد افزایش نسبت به ماه مشابه سال قبل همراه بوده است.

شماره مجوز: ۳۰۴۱۳۹۶ تاریخ چاپ:نوبت اول ۹۶/۷/۱۰ تاریخ چاپ:نوبت دوم ۹۶/۷/۱۱	آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای شماره ۹۶/۶۰۱۴ موضوع: عملیات حفظ، نگهداری و تعمیرات در بخش های مختلف ساختمانی ، برقی،تاسیسات سرمایشی و گرمایشی و تاسیسات مکانیکی پالایشگاه ششم مجتمع گاز پارس جنوبی	نام و نشانی مناقصه گزار استان بوشر ، عسلویه ، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس . شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی . پالایشگاه ششم . ساختمان امور پیمانها
آخرین مهلت اعلام آمادگی و تحویل رزومه متقاضیان شرکت در مناقصه	۹۶/۷/۲۶	
توزیع اسناد مناقصه به شرکت های واجد صلاحیت	۹۶/۸/۱۶	
آخرین مهلت تحویل پاکت پیشنهادات مالی توسط مناقصه گران	۹۶/۸/۲۷	
تاریخ باز گشایی تاریخ پیشنهادات مالی	۹۶/۸/۲۸	
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فر آئند ارجاع کار	مبلغ ۱,۷۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۱۳۳۴۰۲/۹۵-۶۵-۵هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیات وزیران	
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس های www.spgc.ir و www.tender.bazrasli.ir (پیش مناقصه/مزایده امورپیمان ها) – WWW.IETS.MPORG.IR مراجعه فرماید		